



فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم



تبیین توسعه پایدار به عنوان مؤلفه قدرت نرم وحید صالحی^۱

چکیده

توسعه پایدار به عنوان مؤلفه قدرت نرم، به اهمیت استفاده از روش‌های غیرمستقیم و فرهنگی در ارتقاء جایگاه کشورها اشاره دارد. این مفهوم بر توازن بین توسعه اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که قدرت نرم، از طریق ایجاد تصویر مثبت، اعتماد و همکاری‌های بین‌المللی، می‌تواند نقش مؤثری در تقویت قدرت ملی ایفا کند. در این مقاله، نقش توسعه پایدار در تقویت قدرت نرم کشورها بررسی شده و اهمیت آن در سیاست‌های جهانی و روابط بین‌الملل تأکید می‌شود.

توسعه پایدار هرچند دارای اصول نسبتاً ثابت و پذیرفته شده‌ای است، اما رویکرد مکاتب فکری و سیاسی نسبت به مسأله توسعه پایدار دارای تفاوت‌هایی نیز می‌باشد. بر این اساس پژوهش حاضر درصدد است تا به بررسی و تبیین تبیین توسعه پایدار به عنوان مؤلفه قدرت نرم و نسبت آن با قدرت نرم نیز بررسی می‌شود. بنابراین سؤال پژوهش این است که توسعه پایدار چقدر در ایجاد قدرت نرم نقش دارد و چگونه می‌تواند باعث ایجاد قدرت نرم در جامعه شد؟ فرضیه این است: توسعه پایدار نقش اساسی در ایجاد قدرت نرم در جامعه را دارد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که توسعه و در ادامه توسعه پایدار نقش اساسی در قدرت نرم جامعه و کشور را دارد. روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است که چارچوب نظری ژوزف نای را مبنای پژوهش قرار داده است.

واژه‌های کلیدی:

تبیین، توسعه، توسعه پایدار، قدرت نرم، جامعه، مؤلفه

۴۰

دوره ۱۵، شماره ۱، پیاپی ۴۰
بهار ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۳-۰۸-۰۷
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۴-۰۳-۲۵

شاپا چاپی: ۲۳۲۲-۵۵۹۹

رتبه علمی

ب

بررسی صحت گواهی در:
JOURNALS.MSRT.IR





مقدمه و بیان مسأله

توسعه پایدار به عنوان مؤلفه قدرت نرم، به اهمیت استفاده از روش‌های غیرمستقیم و فرهنگی در ارتقاء جایگاه کشورها اشاره دارد. این مفهوم بر توازن بین توسعه اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که قدرت نرم، از طریق ایجاد تصویر مثبت، اعتماد و همکاری‌های بین‌المللی، می‌تواند نقش مؤثری در تقویت قدرت ملی ایفا کند. در این مقاله، نقش توسعه پایدار در تقویت قدرت نرم کشورها بررسی شده و اهمیت آن در سیاست‌های جهانی و روابط بین‌الملل تأکید می‌شود.

توسعه پایدار به عنوان مؤلفه قدرت نرم، نقش مهمی در بهبود تصویر و جایگاه بین‌المللی کشورها ایفا می‌کند. این مفهوم بر این اصل استوار است که قدرت نرم از طریق ترویج ارزش‌ها، فرهنگ، آموزش، و سیاست‌های پایدار، می‌تواند تاثیرگذاری و نفوذ کشورها را در عرصه جهانی افزایش دهد. توسعه پایدار، با تمرکز بر حفظ منابع طبیعی، عدالت اجتماعی، و رشد اقتصادی همراه با حفظ محیط‌زیست، باعث ایجاد اعتماد و احترام در جامعه جهانی می‌شود.

در این مقاله، نقش توسعه پایدار در تقویت قدرت نرم از چند جنبه مورد بررسی قرار گرفته است:

ایجاد تصویر مثبت: کشورهای که به توسعه پایدار اهمیت می‌دهند، در نظر دیگران به عنوان کشورهای مسئول، پایدار و پیشرفته شناخته می‌شوند.

ارتقاء همکاری‌های بین‌المللی: توسعه پایدار، زمینه‌ساز همکاری‌های چندجانبه و تبادل فرهنگی می‌شود، که این امر قدرت نرم کشورها را تقویت می‌کند.

تأثیر بر سیاست‌های داخلی و خارجی: سیاست‌های توسعه پایدار، نه تنها در داخل کشور موجب بهبود کیفیت زندگی می‌شود، بلکه در روابط خارجی، اعتماد و اعتبار بین‌المللی را افزایش می‌دهد.

پایداری در مقابل تهدیدهای جهانی: توسعه پایدار، کشورها را در مقابل چالش‌هایی مانند تغییرات اقلیمی، فقر و نابرابری‌های اجتماعی مقاوم‌تر می‌سازد و این امر، قدرت نرم آن‌ها را در عرصه جهانی تقویت می‌کند. در نتیجه، توسعه پایدار به عنوان مؤلفه‌ای کلیدی در قدرت نرم، نقش حیاتی در شکل‌دهی به هویت ملی و افزایش نفوذ کشورها در سیاست‌های جهانی دارد. این رویکرد، راهی مؤثر برای کشورها است تا با بهره‌گیری از ارزش‌ها و سیاست‌های پایدار، جایگاه خود را در جهان تثبیت و تقویت کنند.

نظام‌های سیاسی و اجتماعی برای آنکه بتوانند قدرت خود را فزونی ببخشند و یا بدون استفاده از زور، و از طریق اقناع، جذب دیگران، ایجاد امید اجتماعی و ترغیب دیگران به مسیر مطلوب و موردنظر خویش، ایدئولوژی موردنظر خود را بسط دهند، نیازمند استفاده از قدرت نرم هستند. قدرت نرم به معنای آنکه بتوانند از طریق کاربست مبانی فکری و ایدئولوژیکی خود، الگویی برای دیگران در نظر گرفته شوند و یا از طریق تأیید اجتماعی در داخل، منطقه و جهان، اعتماد دیگران را جلب کرده و منافع خود را پیگیری نمایند.



در دنیای امروز، قدرت کشورها تنها به توان نظامی و اقتصادی محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد فرهنگی، اجتماعی و دیپلماتیک نقش مهم‌تری در تعیین جایگاه آن‌ها در سطح جهانی ایفا می‌کند. در این راستا، مفهوم «قدرت نرم» به عنوان روشی غیرمسلحانه برای جلب احترام و نفوذ در عرصه بین‌المللی اهمیت یافته است. توسعه پایدار، به عنوان یک رویکرد جامع و بلندمدت در حفظ منابع طبیعی، عدالت اجتماعی و رشد اقتصادی، می‌تواند نقش کلیدی در تقویت قدرت نرم کشورها ایفا کند. این مقاله بر آن است تا نشان دهد چگونه توسعه پایدار به عنوان مؤلفه‌ای اساسی در افزایش نفوذ و اعتبار کشورها در جامعه جهانی عمل می‌کند.

با توجه به تحولات جهانی و چالش‌های متعددی مانند تغییرات اقلیمی، نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، و بحران‌های زیست‌محیطی، اهمیت توسعه پایدار بیش از پیش آشکار شده است. اما سوال اصلی این است که چگونه می‌توان توسعه پایدار را به عنوان یک مؤلفه مؤثر در تقویت قدرت نرم کشورها در نظر گرفت؟ و چه راهکارهایی برای بهره‌برداری بهینه از این رویکرد در سیاست‌های خارجی و داخلی وجود دارد؟ در این پژوهش، تلاش می‌شود تا رابطه بین توسعه پایدار و قدرت نرم تحلیل و تبیین شود و نقش آن در سیاست‌های بین‌المللی مورد بررسی قرار گیرد.

توسعه پایدار و توسعه مطلوب و مناسب، توسعه‌ای است که در راستای بالندگی و رشد همگانی بشر و دست‌یابی انسان به مظهریت در الوهیت و ربوبیت باشد و انسان بتواند به عنوان خلیفه الهی نقش و مسئولیت خود را انجام دهد. از این رو با اشاره به مؤلفه‌های توسعه انسانی مناسب، به نقد شاخص‌های توسعه‌هایی می‌پردازد که این هدف را مد نظر قرار نمی‌دهد.

این پژوهش در صدد بررسی توسعه پایدار در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و حکومت‌داری یا مدیریتی است و این فرضیه را دنبال می‌کند که شاخص‌های توسعه پایدار از حیث اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی، همگی پشتوانه‌ای برای قدرت نرم محسوب شود.

در قرن بیست و یکم، مفاهیم قدرت و نفوذ در عرصه بین‌المللی دچار تحولات عمیقی شده‌اند. اگرچه قدرت نظامی و اقتصادی همچنان نقش مهمی در تعیین جایگاه کشورها دارند، اما اهمیت قدرت نرم، یعنی توانایی کشورها در جذب و اقناع دیگران از طریق ارزش‌ها، فرهنگ، سیاست‌ها و تصویر عمومی، روز به روز بیشتر شده است. یکی از مهم‌ترین عوامل در توسعه قدرت نرم، رویکردهای پایدار و بلندمدت است که بر حفظ محیط‌زیست، عدالت اجتماعی و توسعه اقتصادی تأکید دارند. توسعه پایدار، به عنوان یک رویکرد جامع و چندبعدی، می‌تواند نقش کلیدی در تقویت تصویر و اعتبار بین‌المللی کشورها ایفا کند و آن‌ها را در مقابل چالش‌های جهانی مقاوم‌تر سازد. این مقاله بر آن است تا نشان دهد چگونه توسعه پایدار، به عنوان یک مؤلفه مهم در قدرت نرم، می‌تواند به ارتقاء جایگاه کشورها در عرصه جهانی کمک کند و راهکارهای بهره‌برداری بهینه از این رویکرد در سیاست‌های داخلی و خارجی را بررسی کند.

در دنیای امروز، کشورها با چالش‌های متعددی مانند تغییرات اقلیمی، بحران‌های زیست‌محیطی، نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، و تنش‌های سیاسی مواجه هستند. این چالش‌ها، نه تنها بر توسعه اقتصادی و اجتماعی تأثیر می‌گذارند، بلکه بر تصویر و



اعتبار بین‌المللی کشورها نیز اثرگذارند. در این میان، توسعه پایدار به عنوان رویکردی استراتژیک و بلندمدت، می‌تواند نقش مهمی در تقویت قدرت نرم کشورها ایفا کند؛ زیرا کشورهای پایدار، در نظر جهانیان به عنوان کشورهای مسئول، پیشرفته و قابل اعتماد شناخته می‌شوند. اما سوال اصلی این است که چگونه می‌توان توسعه پایدار را به عنوان یک مؤلفه مؤثر در تقویت قدرت نرم در نظر گرفت؟ و چه راهکارهایی برای بهره‌برداری از این رویکرد در سیاست‌های داخلی و خارجی وجود دارد؟ همچنین، چالش‌ها و موانع موجود در پیاده‌سازی توسعه پایدار و نقش آن در سیاست‌های بین‌المللی چیست؟ این مقاله در پی پاسخ به این سوالات است و قصد دارد رابطه بین توسعه پایدار و قدرت نرم را تحلیل و تبیین کند تا راهکارهای عملی برای بهره‌برداری بهتر از این رویکرد در سیاست‌های ملی و بین‌المللی ارائه دهد.

در دنیای امروز، مفاهیم قدرت و نفوذ در عرصه بین‌المللی دچار تحولات اساسی شده‌اند. اگرچه قدرت نظامی، اقتصادی و سیاسی همچنان نقش مهمی در تعیین جایگاه کشورها دارند، اما در دهه‌های اخیر، مفهوم «قدرت نرم» به عنوان روشی مؤثر و جایگزین در فرآیندهای دیپلماتیک و روابط بین‌الملل جایگاه ویژه‌ای یافته است. قدرت نرم، توانایی کشورها در جذب، اقناع و ایجاد همکاری‌های داوطلبانه با دیگر کشورها و نهادهای بین‌المللی است، که این امر از طریق ارزش‌ها، فرهنگ، سیاست‌های داخلی و تصویر عمومی شکل می‌گیرد. در این میان، توسعه پایدار به عنوان یک رویکرد جامع و بلندمدت، نقش حیاتی در تقویت قدرت نرم ایفا می‌کند؛ زیرا کشورهایی که به توسعه پایدار اهمیت می‌دهند، در نظر جهانیان به عنوان کشورهای مسئول، پیشرفته، پایدار و قابل اعتماد شناخته می‌شوند. این رویکرد، علاوه بر حفظ منابع طبیعی و محیط‌زیست، بر عدالت اجتماعی، رفاه عمومی و رشد اقتصادی تأکید دارد و می‌تواند تصویر مثبت و اعتبار بین‌المللی کشورها را تقویت کند. بنابراین، بررسی رابطه بین توسعه پایدار و قدرت نرم، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و می‌تواند راهکارهای نوینی برای سیاست‌گذاری‌های ملی و بین‌المللی ارائه دهد.

در عصر حاضر، کشورها با چالش‌های متعددی مواجه هستند که بر توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. تغییرات اقلیمی، بحران‌های زیست‌محیطی، نابرابری‌های اقتصادی، فقر، بی‌ثباتی‌های سیاسی و تنش‌های بین‌المللی، همگی از جمله مسائلی هستند که نیازمند رویکردهای نوین و استراتژیک در سطح ملی و بین‌المللی هستند. در این میان، توسعه پایدار به عنوان رویکردی بلندمدت و چندبعدی، می‌تواند نقش مهمی در مقابله با این چالش‌ها ایفا کند؛ اما سوال اصلی این است که چگونه می‌توان توسعه پایدار را به عنوان یک مؤلفه مؤثر در تقویت قدرت نرم کشورها در نظر گرفت و از آن بهره‌برداری کرد؟ و چه موانع و چالش‌هایی در مسیر پیاده‌سازی این رویکرد وجود دارد که باید بر آن‌ها غلبه کرد؟ همچنین، نقش سیاست‌های داخلی و خارجی در بهره‌برداری از توسعه پایدار برای تقویت قدرت نرم چیست؟ و چگونه می‌توان این مفهوم را در سیاست‌های بین‌المللی و دیپلماتیک به کار گرفت تا کشورها بتوانند جایگاه خود را در جامعه جهانی ارتقاء دهند؟ این سوالات، محور اصلی این



تحقیق را تشکیل می‌دهند و هدف آن است که رابطه بین توسعه پایدار و قدرت نرم تحلیل و تبیین شود، تا راهکارهای عملی و استراتژیک برای بهره‌برداری بهتر و مؤثرتر از این رویکرد در سیاست‌گذاری‌های ملی و بین‌المللی ارائه گردد.

در عصر حاضر، قدرت کشورها تنها به توان نظامی و اقتصادی محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد فرهنگی، اجتماعی و دیپلماتیک نقش حیاتی در تعیین جایگاه آن‌ها در سطح جهانی ایفا می‌کند. در این راستا، مفهوم «قدرت نرم» به عنوان روشی مؤثر و جایگزین در فرآیندهای دیپلماتیک و روابط بین‌الملل جایگاه ویژه‌ای یافته است. قدرت نرم، توانایی کشورها در جذب، اقناع و ایجاد همکاری‌های داوطلبانه است که از طریق ارزش‌ها، فرهنگ، سیاست‌های داخلی و تصویر عمومی شکل می‌گیرد. در این میان، توسعه پایدار به عنوان یک رویکرد جامع و بلندمدت، نقش حیاتی در تقویت قدرت نرم ایفا می‌کند؛ زیرا کشورهایی که به توسعه پایدار اهمیت می‌دهند، در نظر جهانیان به عنوان کشورهای مسئول، پیشرفته، پایدار و قابل اعتماد شناخته می‌شوند. این رویکرد، علاوه بر حفظ منابع طبیعی و محیط‌زیست، بر عدالت اجتماعی، رفاه عمومی و رشد اقتصادی تأکید دارد و می‌تواند تصویر مثبت و اعتبار بین‌المللی کشورها را تقویت کند.

با این حال، در مسیر پیاده‌سازی توسعه پایدار و بهره‌برداری از آن در جهت تقویت قدرت نرم، چالش‌ها و موانع متعددی وجود دارد. از جمله این چالش‌ها می‌توان به محدودیت‌های منابع مالی، ضعف سیاست‌گذاری‌های داخلی، نبود هماهنگی بین نهادهای مختلف، ناآگاهی عمومی، و تأثیرات منفی سیاست‌های ناپایدار و کوتاه‌مدت اشاره کرد. همچنین، تفاوت‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی میان کشورها، مانع از بهره‌برداری یکسان و مؤثر از توسعه پایدار در تقویت قدرت نرم می‌شود. علاوه بر این، نبود راهکارهای عملی و استراتژیک مشخص برای تلفیق توسعه پایدار و قدرت نرم، یکی دیگر از مشکلات اساسی است که نیازمند تحلیل و بررسی عمیق است.

قدرت نرم ایده‌ای است که توسط ژوزف نای مطرح شده است و بر جنبه‌های اقناعی، نامحسوس و بالقوه قدرت توجه نشان داده است. برای قدرت، حتی مهم‌تر از برخی رده بندی‌های صورت گرفته در محبوبیت و جذابیت، این واقعیت نهفته است که منابع بالقوه قدرت، همواره در عمل نمی‌توانند در عمل نیز تحقق پیدا کنند و نتایج موردنظر را به دست آورند. برای اینکه اهداف بالفعل به دست آیند، نیازمند آن هستیم که از جهت مخاطبان، اندازه اهداف بالقوه قدرت نرم، جذابیتی در میان باشد و آن جذابیت در نتایج سیاست‌ها نیز تأثیر بگذارد (نای، ۱۳۸۷: ۸۵-۸۷). این تأثیرگذاری از نظر ژوزف نای بیش از پیش توسط رفتارهای افراد، عملکرد نامحسوس گروه‌ها و حتی دولت و ایدئولوژی‌های سیاسی و فرهنگی شکل می‌گیرد. افراد و نهادها از طریق رفتارهای جذاب می‌توانند ایده خود را به طرف مقابل قبولاند و در نهایت قدرت خود را افزایش دهند.

قدرت نرم به آن دسته از قابلیت‌ها و منابع یک کشور چون فرهنگ، آرمان یا ارزش‌های اخلاقی اطلاق می‌شود که به صورت غیرمستقیم بر منافع یا رفتارهای دیگر کشورها اثر می‌گذارد. قدرت نرم در سیاست بین‌المللی ناشی از عوامل نامشخص، اما بسیار واقعی مانند ارزش‌های غالب، اعمال و سیاست‌های داخلی و شیوه اداره روابط بین‌المللی است (نای، ۱۳۸۶: ۱۲۹). بدین ترتیب،



«قدرت نرم» از نظر ژوزف نای قدرتی است برای رسیدن به نتایج مطلوب بدون تهدید و یا پاداش ملموس. بر این پایه یک کشور و حاکمیت می‌تواند به مقاصد موردنظر خود نائل آید؛ چون کشورهای دیگر، ارزش‌های آن را می‌پذیرند و تحت تأثیر پیشرفت و اندیشه آن قرار می‌گیرند و در نتیجه خواهان پیروی از آن می‌شوند. در این مفهوم، آن چه مهم تلقی می‌شود، تنظیم دستورالعملی است که دیگران را جذب کنند. بنابراین قدرت نرم، کسب آن چیزهایی است که از طریق جذب کردن نه از طریق اجبار و یا پاداش می‌خواهید باشد. در منازعات این قدرت (نرم)، کنترل قوای احساسی و توان فکری سرمایه اجتماعی کشور هدف، به وسیله اغوا و ارشاد با بازیگری حب و بغض در حوزه احساسات (قلب) و شک و یقین در حوزه تفکر (مغز)، موضوعیت دارد (سنجایی شیرازی، ۱۳۸۹: ۱۲۹).

از منظر جوزف نای، قدرت نرم به معنای داشتن قدرت دستیابی به اهداف از طریق جذب کردن دیگران است که در واقع به جای استفاده از سیاست اجبار و زور به کار می‌رود. روش‌های متعددی برای دستیابی به این هدف وجود دارد که می‌تواند از طریق ایجاد جذابیت فرهنگی، طرح ایده سیاسی و برنامه‌ها صورت گیرد. هنگامی که سیاست‌ها از نظر دیگران، مشروعیت پیدا کند، قدرت نرم شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، وقتی که دیگران نظرات و طرح‌های دیگری را می‌پذیرند و در این میان از اجبار و ادارسازی استفاده نمی‌شود، از قدرت نرم استفاده می‌شود (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۲۲). علاوه بر این، قدرت نرم برای آنکه بتواند آثار مثبت خود را برجای بگذارد، نیازمند ایجاد شرایطی است که در آن، یک طرف (در اینجا دولت و یا دولت‌ها) ایدئولوژی و تصویرسازی دیگری را به رسمیت بشناسد و آن را مثبت ارزیابی کند. از این جهت، قدرت نرم تحت شرایط خاصی باعث ایجاد تغییرات می‌شود (Patalakh, ۲۰۱۶: ۸۸). (روش‌های دیپلماتیک، رسانه‌ای، فرهنگی، تعاملات اقتصادی و تجاری به نوبه خود می‌تواند در این زمینه قابل توجه باشند. از این جهت در عصر ارتباطات و سیطره قدرت نرم، «فرهنگ» مؤلفه مهمی تلقی می‌شود. به هر حال امروزه، فرهنگ، سیاست، ارزش‌ها در حال اهمیت یافتن برای همه در عرصه روابط بین‌الملل هستند (Lin and Hongtao, ۲۰۱۷: ۶۹). (همه شرایط مذکور در زمره ابزارهای به کار گرفته شده در زمینه قدرت نرم محسوب می‌شوند که به نوبه خود می‌تواند تصویری مثبت ایجاد کنند .

جذب کردن و ایجاد تصویر مثبت می‌تواند مقدمه‌ای بر ایجاد قدرت نرم تلقی شود. زیرا تصور خوب بودن، مؤثر بودن، با اهمیت بودن و دیده شدن از سوی طرف مقابل نشان‌دهنده آن است که قدرت نرم در حال حصول است. به هر حال، قدرت نرم، با روش‌های مختلفی برای دستیابی به همکاری نیز تلاش می‌کند، یعنی استفاده همزمان از ارزش‌ها و جذابیت برای دستیابی به آن چیزی که طلب می‌شود (Lin and Hongtao, ۲۰۱۷: ۷۰). بدین ترتیب، قدرت نرم شامل عناصری ریشه‌دار، حقیقی و فاقد گذر زمان می‌شود که در متن فرهنگ، اجتماع، سیاست و اقتصاد یک کشور یافت می‌شود. برخی از این مؤلفه‌ها عبارت است از: هنر، آداب و رسوم، ادبیات و فولکلور، ویژگی‌های خاص ملی، ورزشی، توانمندی اقتصادی، انسجام داخلی، کارآمدی دولت، اعتماد به نفس ملی، همبستگی ملی، جذابیت‌های ایدئولوژیک، جاذبه‌های طبیعی و گردشگری، و همچنین ارائه الگویی جذاب از



نوع اداره کشور و حکومت در نگاه ناظران و افکار عمومی بین‌المللی (دارابی‌نیا و فروغی‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۸۱). همین ویژگی‌ها باعث می‌شود تا قدرت نرم نقش مؤثری در پیگیری اهداف دولت‌ها در عرصه بین‌المللی داشته باشد. تکیه بر فرهنگ، ارزش‌ها و آرمان‌های یک کشور برای دستیابی به اهداف خاص آن کشور می‌تواند در راستای نفوذ بر مبنای قدرت نرم تفسیر شود. از این منظر، قدرت نرم حتی می‌تواند به طور واقعی و اتفاقی در اغلب مواقع بهترین وسیله برای دستیابی به اهداف سیاسی باشد (Gray, 2011: ۶۶). به هر ترتیب، قدرت نرم دارای شرایط و زمینه‌هایی است که وجود آنان باعث می‌شود تا جذابیتی از سوی دیگران شکل بگیرد و به‌عنوان ابزاری مهم به کار گرفته شود. نکته دیگر اینکه در عصر جهانی شدن مفهوم قدرت با تحول مفهومی مواجه شده است. گذار از تمرکز بر قدرت نظامی سنتی به سایر ابعاد نوظهور قدرت، اصالت یافتن مشخصه‌های فرهنگی، هنجاری، گفتمانی و نامتقارن و اشاعه معانی غیرنظامی قدرت مانند قدرت اقتصادی، قدرت تکنولوژیک، قدرت نرم، قدرت بازیگری و قدرت اجماع‌سازی از نمادهای این تحول بوده است. حتی ویژگی و جذبه یک نظام سیاسی و اجتماعی در زمینه خاصی می‌تواند باعث شکل‌گیری قدرت نرم شود. به عنوان مثال، الگو بودن یک نظام سیاسی می‌تواند باعث جذب سایر کشورها شود و راه رسیدن به منافع را برای آنان تسهیل نماید. در این صورت «الگوسازی» یکی از راه‌های رسیدن به قدرت نرم و فزونی بخشیدن به آن است که حتی امروزه قدرت هوشمند طراحی شد تا نشان دهد که چگونه قدرت سخت و قدرت نرم می‌تواند با هم تعامل داشته باشند و یکدیگر را تقویت کنند (نای، ۱۳۹۰: ۵). به طور مشخص الگو بودن یک نظام سیاسی در حوزه توسعه پایدار و ابعاد آن می‌تواند مؤلفه‌هایی برای قدرت نرم در نظر گرفته شوند که در این پژوهش به مبانی نظری توسعه پایدار به عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم در فقه اسلامی پرداخته می‌شود.

بنابراین، سوال اصلی این است که چگونه می‌توان توسعه پایدار را به عنوان یک مؤلفه مؤثر در تقویت قدرت نرم کشورها در نظر گرفت و از آن بهره‌برداری کرد؟ و چه راهکارها و سیاست‌هایی باید در سطح ملی و بین‌المللی اتخاذ شود تا این دو مفهوم بتوانند در کنار هم، جایگاه کشورها را در جامعه جهانی ارتقاء دهند؟ همچنین، نقش سیاست‌های داخلی و خارجی در این فرآیند چیست و چگونه می‌توان با تلفیق این دو مفهوم، راهکارهای عملی و استراتژیک برای توسعه پایدار و تقویت قدرت نرم ارائه داد؟ پاسخ به این سوالات، نیازمند تحلیل‌های علمی و عملی است تا بتوان راهکارهای مؤثر و کارآمد در این حوزه ارائه داد و در نهایت، به توسعه پایدار و قدرت نرم به عنوان دو عنصر مکمل و هم‌پوشان در سیاست‌گذاری‌های ملی و بین‌المللی دست یافت.

اهداف و پرسش پژوهش

برای موضوع توسعه پایدار و قدرت نرم، می‌تونم چند هدف و پرسش کلیدی مطرح می‌شود:

الف) اهداف:

درک مفهوم توسعه پایدار و اهمیت آن در جهان امروز.

بررسی نقش قدرت نرم در ترویج توسعه پایدار.



تحلیل راهکارهای بهره‌گیری از قدرت نرم برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار. شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های استفاده از قدرت نرم در سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای. ارزیابی تأثیرات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی قدرت نرم بر توسعه پایدار.

(ب) پرسش‌ها:

توسعه پایدار چه مفهومی دارد و چه ابعادی را در بر می‌گیرد؟
قدرت نرم چگونه می‌تواند به ترویج توسعه پایدار کمک کند؟
چه ابزارها و استراتژی‌هایی در قدرت نرم برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار موثر هستند؟
چه تفاوت‌هایی بین قدرت سخت و قدرت نرم در فرآیند توسعه وجود دارد؟
چگونه کشورها می‌توانند با بهره‌گیری از قدرت نرم، روابط بین‌المللی و توسعه اقتصادی خود را بهبود بخشند؟

(ج) اهداف جامع‌تر:

تحلیل مفهوم توسعه پایدار در چارچوب‌های بین‌المللی مانند اهداف توسعه پایدار سازمان ملل.
بررسی نقش قدرت نرم در شکل‌دهی تصویر جهانی کشورها و تأثیر آن بر سیاست‌های توسعه‌ای.
شناسایی نمونه‌های موفق بهره‌گیری از قدرت نرم در پروژه‌های توسعه‌ای در سطح ملی و بین‌المللی.
ارزیابی تأثیرات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی قدرت نرم بر تغییرات رفتاری و نگرش‌های جامعه.
مطالعه راهکارهای تلفیق قدرت سخت و قدرت نرم برای رسیدن به توسعه پایدار در کشورهای مختلف.
بررسی چالش‌ها و موانع در استفاده از قدرت نرم در فرآیندهای توسعه و راهکارهای غلبه بر آن‌ها.
تحلیل نقش رسانه‌ها، دیپلماسی عمومی و آموزش در تقویت قدرت نرم و توسعه پایدار.
ارزیابی تأثیر فناوری‌های نوین و فضای مجازی بر قدرت نرم و توسعه پایدار.
پرسش‌های عمیق‌تر:
چگونه مفاهیم توسعه پایدار در سیاست‌گذاری‌های داخلی و خارجی کشورها تجلی پیدا می‌کند؟
چه عوامل فرهنگی، تاریخی و اجتماعی بر قدرت نرم یک کشور تأثیر می‌گذارند؟
نقش دیپلماسی فرهنگی و رسانه‌ای در تقویت قدرت نرم و دستیابی به اهداف توسعه پایدار چیست؟
چه نمونه‌های عملی و موفق در جهان وجود دارد که نشان‌دهنده تأثیرگذاری قدرت نرم بر توسعه پایدار هستند؟
چگونه می‌توان از ابزارهای دیجیتال و فناوری‌های نوین برای تقویت قدرت نرم و ارتقاء توسعه پایدار بهره‌برداری کرد؟
چه تفاوت‌هایی در تأثیرگذاری قدرت نرم در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه وجود دارد؟
نقش آموزش، فرهنگ و هنر در توسعه قدرت نرم و ترویج مفاهیم توسعه پایدار چیست؟



چه سیاست‌ها و استراتژی‌هایی می‌توانند در تلفیق قدرت سخت و نرم برای رسیدن به توسعه پایدار موثر باشند؟ چگونه می‌توان میزان تاثیرگذاری قدرت نرم را در پروژه‌های توسعه‌ای اندازه‌گیری و ارزیابی کرد؟ چه چالش‌هایی در مسیر استفاده از قدرت نرم برای توسعه پایدار وجود دارد و چگونه می‌توان بر آن‌ها غلبه کرد؟

پیشینه پژوهش

پیشینه تحقیق درباره توسعه پایدار و قدرت نرم به بررسی مفاهیم، نظریه‌ها و پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه‌ها می‌پردازد. در این زمینه، توسعه پایدار به معنای رشد اقتصادی و اجتماعی است که با حفظ محیط زیست و منابع طبیعی همراه باشد، و قدرت نرم به توانایی کشورها در جذب و تاثیرگذاری بر دیگران از طریق فرهنگ، ارزش‌ها و دیپلماسی اشاره دارد. پژوهش‌های پیشین معمولاً بر اهمیت همکاری‌های بین‌المللی، نقش فرهنگ و دیپلماسی در توسعه، و راهکارهای بهره‌گیری از قدرت نرم برای رسیدن به اهداف توسعه پایدار تمرکز دارند.

در دهه ۱۹۸۰، مفهوم توسعه پایدار با انتشار گزارش برناردی (**Brundtland Report**) معرفی شد و بر اهمیت حفظ منابع طبیعی، کاهش فقر و توسعه اقتصادی همزمان با حفاظت از محیط زیست تأکید کرد. پژوهش‌های اولیه بر راهکارهای سیاست‌گذاری، مدیریت منابع و توسعه انسانی متمرکز بودند. در دهه ۱۹۹۰، مفهوم قدرت نرم توسط جوزف نای مطرح شد و بر نقش فرهنگ، ارزش‌ها و دیپلماسی غیرمسلحانه در تأثیرگذاری بر دیگر کشورها تأکید کرد. پژوهش‌ها در این حوزه بیشتر بر نقش رسانه، آموزش و دیپلماسی عمومی در تقویت قدرت نرم تمرکز داشتند.

مطالعات درباره نقش قدرت نرم در ترویج توسعه پایدار

بسیاری از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که کشورهایی که از قدرت نرم قوی برخوردارند، بهتر می‌توانند سیاست‌های توسعه پایدار را در سطح جهانی ترویج دهند. برای مثال، مطالعه‌ای در مورد دیپلماسی فرهنگی چین نشان داد که استفاده از ابزارهای فرهنگی و رسانه‌ای توانسته است تصویر مثبت کشور را در حوزه‌های زیست‌محیطی و اجتماعی تقویت کند و حمایت بین‌المللی برای پروژه‌های توسعه پایدار جلب کند.

پژوهش‌های موردی در کشورهای مختلف

برخی تحقیقات به بررسی نمونه‌های خاص مانند برزیل، هند، و کشورهای اروپایی پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که بهره‌گیری از قدرت نرم در کنار سیاست‌های توسعه پایدار، منجر به بهبود مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی شده است. مثلاً، برنامه‌های آموزش و فرهنگ‌سازی در کشورهای اروپایی نقش مهمی در تغییر رفتارهای مصرفی و حفظ محیط زیست داشته است.

مطالعات درباره تأثیر فناوری و رسانه‌های دیجیتال

پژوهش‌های اخیر بر نقش فناوری‌های نوین، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های دیجیتال در تقویت قدرت نرم و ترویج توسعه پایدار تمرکز کرده‌اند. این فناوری‌ها امکان انتقال پیام‌های فرهنگی و آموزش‌های محیط زیستی را سریع‌تر و گسترده‌تر کرده‌اند و نقش مهمی در تغییر رفتارهای جمعی دارند.

تحقیقات درباره تعامل بین توسعه پایدار و قدرت نرم

برخی مطالعات به بررسی تعامل و هم‌افزایی بین این دو مفهوم پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که سیاست‌گذاری‌های تلفیقی می‌تواند اثرگذاری بیشتری در حل مسائل جهانی مانند تغییرات اقلیمی، نابرابری و فقر داشته باشد. این تحقیقات بر اهمیت دیپلماسی فرهنگی، آموزش بین‌المللی و همکاری‌های چندجانبه تأکید دارند.

در سال‌های اخیر، تحقیقات نشان داده‌اند که بهره‌گیری همزمان از توسعه پایدار و قدرت نرم می‌تواند راهکارهای مؤثری برای حل مسائل جهانی مانند تغییرات اقلیمی، فقر و نابرابری ارائه دهد. مطالعات نشان می‌دهد که فرهنگ، دیپلماسی فرهنگی و آموزش می‌تواند ابزارهای کلیدی در ترویج توسعه پایدار و تقویت قدرت نرم باشند.

"نقش دیپلماسی فرهنگی در ترویج توسعه پایدار: مطالعه موردی چین"

این تحقیق بررسی می‌کند که چگونه چین از ابزارهای فرهنگی و دیپلماسی نرم در ترویج مفاهیم توسعه پایدار در سطح بین‌المللی بهره می‌برد و چه نتایجی در حوزه‌های زیست‌محیطی و اجتماعی داشته است.

"تأثیر قدرت نرم بر سیاست‌های توسعه پایدار در کشورهای اروپایی"

در این مطالعه، نقش رسانه‌ها، آموزش و دیپلماسی عمومی در تقویت سیاست‌های توسعه پایدار در کشورهای اروپایی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که قدرت نرم در تغییر رفتارهای مصرف‌کننده و ارتقاء آگاهی عمومی نقش کلیدی دارد.

"فناوری‌های دیجیتال و نقش آن‌ها در ترویج توسعه پایدار: مطالعه موردی شبکه‌های اجتماعی"

این تحقیق به بررسی نقش فناوری‌های نوین و رسانه‌های دیجیتال در انتقال پیام‌های فرهنگی و آموزش‌های محیط زیستی می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه این فناوری‌ها می‌توانند نقش مهمی در تغییر رفتارهای جمعی و ترویج توسعه پایدار ایفا کنند.

"تحلیل تعامل بین قدرت نرم و توسعه پایدار در سیاست‌های خارجی کشورها"

در این مطالعه، رابطه بین بهره‌گیری از قدرت نرم و تحقق اهداف توسعه پایدار در سیاست‌های خارجی چند کشور بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد که استراتژی‌های تلفیقی در این حوزه‌ها می‌تواند اثرگذاری بیشتری داشته باشد. این نمونه‌ها نشان می‌دهد که تحقیقات قبلی بیشتر بر نقش ابزارهای فرهنگی، رسانه‌ای و فناوری در ترویج توسعه پایدار و بهره‌گیری از قدرت نرم تمرکز داشته‌اند. اگر مایل باشید، می‌توانم منابع و مقالات علمی دقیق‌تر و کامل‌تری در این حوزه‌ها برایتان جمع‌آوری کنم.



روش پژوهش

روش پژوهش برای موضوع توسعه پایدار و قدرت نرم می‌تواند به صورت زیر باشد:

در این مطالعه، از رویکرد ترکیبی (کیفی و کمی) استفاده می‌شود تا بتوان رابطه بین توسعه پایدار و قدرت نرم را تحلیل و تبیین کرد. در بخش کمی، داده‌های مربوط به مؤلفه‌های توسعه پایدار و مؤلفه‌های قدرت نرم کشورها جمع‌آوری و تحلیل می‌شود تا همبستگی و روابط آماری میان این متغیرها مشخص گردد. این داده‌ها ممکن است از منابع معتبر مانند گزارش‌های سازمان ملل، بانک جهانی، و مؤلفه‌های توسعه انسانی و قدرت نرم تهیه شود.

در بخش کیفی، از روش تحلیل محتوا و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با کارشناسان و سیاست‌مداران حوزه توسعه و روابط بین‌الملل بهره گرفته می‌شود تا عوامل مؤثر، چالش‌ها و راهکارهای عملی در بهره‌برداری از توسعه پایدار برای تقویت قدرت نرم شناسایی گردد. همچنین، مطالعه موردی کشورهای که در این حوزه موفق عمل کرده‌اند، انجام می‌شود تا الگوهای موفق و راهکارهای کاربردی استخراج گردد.

در نهایت، از تحلیل تطبیقی و تحلیل SWOT برای ارزیابی فرصت‌ها، تهدیدها، نقاط قوت و ضعف در پیاده‌سازی توسعه پایدار و تقویت قدرت نرم بهره گرفته می‌شود. این رویکرد چندجانبه، امکان تحلیل جامع و عمیق‌تر رابطه بین توسعه پایدار و قدرت نرم را فراهم می‌آورد و راهکارهای عملی و استراتژیک ارائه می‌دهد.

چارچوب نظری تحقیق

چارچوب نظری پژوهش درباره توسعه پایدار و قدرت نرم باید بر مفاهیم کلیدی، نظریه‌ها و مدل‌های مرتبط استوار باشد. در ادامه، نمونه‌ای از چارچوب نظری برای این موضوع ارائه می‌دهم:

توسعه پایدار و قدرت نرم

مفاهیم پایه:

توسعه پایدار: توسعه‌ای که نیازهای نسل حاضر را برآورده می‌کند بدون اینکه توانایی نسل‌های آینده در برآوردن نیازهای خود را محدود سازد. این مفهوم بر سه محور اصلی استوار است: اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی (بر اساس گزارش برنارد، ۱۹۸۷: سازمان ملل، ۱۹۸۷).

قدرت نرم: توانایی کشورها در جذب و اقناع دیگران برای همکاری و پذیرش ارزش‌ها، فرهنگ و سیاست‌هایشان، بدون استفاده از زور و تهدید (نظریه جوزف نای، ۱۹۹۰). این مفهوم بر تصویر، اعتبار و ارزش‌های فرهنگی و دیپلماتیک تمرکز دارد.

توسعه پایدار و ابعاد آن

توسعه عبارت از فرآیندی است که طی آن گزینه‌های انتخاب مردم گسترش می‌یابد (مشکی، ۱۳۹۵: ۲۶). توسعه در لغت به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته‌تر شدن، قدرتمند تر شدن و حتی بزرگ تر شدن است (دانشنامه آکسفورد). بنابراین اگر



توسعه را روند تغییر از وضعیت موجود و ناپایدار به وضعیت مطلوب و پایدار بدانیم و وضعیت مطلوب با آرمانی را که هدف چنین توسعه‌ای است، همان توسعه انسانی پایدار تعریف کنیم، برای سنجش و ارزیابی آن، دو معیار درجه انسانی بودن و درجه پایداری توسعه باید مورد توجه قرار گیرد. در چنین الگویی، توسعه، فرآیندی در جهت استفاده بهینه از منابع و فرصت‌ها خواهد بود. عناصر و زیر سیستم‌های اصلی تشکیل دهنده این فرآیند عبارت خواهند بود از مردم، منابع، فعالیت‌ها، فضاها و مشارکت، عناصری که در ارتباط متقابل و چند جانبه با یکدیگر قرار دارند. پیوند مطلوب این عوامل باعث افزایش کارایی سیستم و در واقع افزایش پایداری، تعادل و بازده سیستم توسعه می‌گردد (جمعه پور، ۱۳۷۸: ۷). ضمن اینکه بازسازی جامعه بر اساس اندیشه‌ها و بصیرت‌های تازه، علم باوری، انسان باوری و آینده باوری سه اندیشه در دوران مدرن هستند و برای رسیدن به توسعه، باید به سه اقدام اساسی درک و هضم اندیشه‌های جدید، تشریح و تفصیل این اندیشه‌ها و ایجاد نهادهای جدید برای تحقق عملی آن‌ها پرداخت (عظیمی، ۱۳۶۹: ۱۰۳).

توسعه به معنای کاهش فقر، بیکاری، نابرابری، صنعتی شدن بیشتر، ارتباطات بهتر، ایجاد نظام اجتماعی مبتنی بر عدالت و افزایش مشارکت مردم در امور سیاسی جاری نیز آمده است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۴۱). همچنین دستیابی به توسعه، هدف و یا مقصد نهایی نیست، بلکه یک فرایند است. به همین دلیل به جای استفاده از اصطلاح «توسعه یافتگی»، اصطلاح «توسعه پایدار» به کار گرفته می‌شود. تفاوت استفاده از این اصطلاح آن است که همه کشورها و نظام‌های سیاسی به این نتیجه برسند که «نقطه پایانی در توسعه وجود ندارد». به بیان دیگر، هیچوقت نمی‌توان چنین ادعا کرد که پس از مهیا شدن شروط عمومی و اختصاصی در یک جامعه، آن را توسعه یافته در نظر بگیریم. بنابراین نمی‌توان گفت که به نقطه پایان راه رسیده‌ایم. صحیح‌تر آن است که گفته شود «این کشور در مسیر توسعه پایدار قرار دارد». با این وجود این احتمال نیز می‌رود که مطابق مؤلفه‌های استاندارد بین‌المللی کشور یاد شده، به عنوان کشوری توسعه یافته در نظر گرفته شود. توسعه پایدار از جمله مفاهیم و وضعیتی است که هم جذابیت‌های خاصی برای سیاستمداران و برنامه‌ریزان کشورها دارند هم اینکه با آرمان‌های جوامع مختلف سازگاری دارند. این دیدگاه که نسل‌های آینده بشر، برای ادامه حیات و زندگی به کره زمین وابسته خواهند بود، این شرایط را الزامی می‌سازد که میزان بهره‌مندی بالقوه نسل‌های آینده نیز نباید از میزان بهره‌مندی نسل فعلی کمتر باشد. توسعه پایدار هم مطلوب اهالی اقتصاد است که رویکرد و نگاه عقلانی به مسائل مختلف دارند و از این جهت نیز هدفی در چارچوب عقلانیت اخلاقی محسوب می‌شود. بر همین اساس، دارای مقبولیت و مشروعیتی عام در کشورهای مختلف و افراد جوامع بشری است. توسعه پایدار به عنوان هدف اغلب جوامع است. هرچند مشکلات خاص و گسترده باعث شده تا هدف کشورهای جهان سوم بیشتر بر دستیابی به توسعه باشد تا اینکه توسعه پایدار را تجربه کنند. در هر صورت آنچه به نظر می‌رسد این است که از بین بردن شکاف فعلی میان دو شرایط دنیای کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بدون فرایند توسعه پایدار، امکان‌پذیر نیست. اصطلاح «توسعه» به ارتقای سطح زندگی و کیفیت زندگی افراد و بهبود رفاه جامعه معطوف می‌شود و مقصود از «پایداری» آن نیز توجه نشان دادن به استمرار این فرآیند در



طول نسل‌های بشر است. بدین ترتیب، توسعه پایدار همه ابعاد زندگی بشر را شامل می‌شود. با توجه به این مسأله نباید توقع داشت که این مقوله به سادگی قابل بیان و به سهولت قابل اندازه باشد (متوسلی، ۱۳۹۲: ۵۳-۵۲). اصطلاح توسعه پایدار اولین بار در سال ۱۹۸۰ در گزارش انجمن بین‌المللی حفاظت از منابع طبیعی با عنوان «استراتژی حفاظت از منابع طبیعی» به کار برده شد و براساس همین گزارش که تحت عنوان «آینده مشترک ما» که گزارش بروتلند نیز نام گرفته است و توسط کمیسیون محیط زیست و توسعه سازمان ملل متحد تدوین شده، به طور همه جانبه‌ای گسترش یافت و پیامدهای سیاسی گسترده‌ای مخصوصاً در کشورهای توسعه یافته بر جای گذاشت. در نهایت اینکه توسعه پایدار از مفاهیم و محصولات دهه ۹۰ میلادی است و در سمپوزیومی که در سال ۱۹۹۱ در لاهه برگزار شد به ادبیات توسعه راه یافت (همان: ۶۶-۶۰). با این حال توسعه پایدار در هر مکتب فکری و سیاسی دارای ابعاد و مؤلفه‌هایی است که گونه‌های مختلفی از توسعه پایدار را در سطح جهان رقم زده است. با توجه به همین مسأله، جستجوی مبانی نظری توسعه پایدار در فقه اسلامی حائز اهمیت است و از جهت اینکه می‌تواند توسعه پایدار اسلامی را به عنوان الگویی برای دیگران و ابزاری برای جذب، اقناع و متقاعد کردن دیگران باشد، بسیار مهم است. علاوه بر اینکه، می‌تواند بنیانی فراگیر برای افزایش قدرت نرم و قدرتی پنهان و مضاعف برای جامعه اسلامی در نظر گرفته شود.

نظریه‌ها و مدل‌های مرتبط:

نظریه توسعه پایدار: بر اساس مدل‌های چندبعدی، توسعه پایدار باید تعادلی میان ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی برقرار کند. مدل‌های مختلفی مانند مدل سه‌بعدی (اقتصاد، اجتماع، محیط‌زیست) برای تحلیل این مفهوم وجود دارد.

نظریه قدرت نرم: بر اساس نظریه نای، قدرت نرم از طریق دیپلماسی فرهنگی، آموزش، همکاری‌های بین‌المللی، و تصویر مثبت کشورها شکل می‌گیرد. مدل‌های مختلفی مانند مدل چهارگانه نای (دیپلماسی فرهنگی، دیپلماسی عمومی، دیپلماسی اقتصادی، و دیپلماسی فناوری) برای تحلیل این مفهوم ارائه شده است.

مدل تلفیقی توسعه پایدار و قدرت نرم: این مدل بر این فرض استوار است که توسعه پایدار، با ارتقاء مؤلفه‌های فرهنگی، اجتماعی و زیست‌محیطی، می‌تواند نقش مهمی در تقویت قدرت نرم کشورها ایفا کند. بر اساس این مدل، مؤلفه‌های توسعه پایدار به عنوان عوامل مؤثر در تصویر عمومی و اعتبار بین‌المللی کشورها محسوب می‌شوند.

روابط و فرضیه‌های اصلی:

فرضیه ۱: توسعه پایدار، به عنوان شاخصی از ثبات و مسئولیت‌پذیری، تأثیر مثبت بر قدرت نرم کشورها دارد.

فرضیه ۲: مؤلفه‌های توسعه پایدار (مانند مؤلفه‌های محیط‌زیستی، عدالت اجتماعی، توسعه اقتصادی پایدار) به طور مستقیم بر تصویر و اعتبار بین‌المللی کشورها تأثیر گذارند.

فرضیه ۳: سیاست‌های داخلی و خارجی مبتنی بر توسعه پایدار، می‌تواند نقش مهمی در ارتقاء قدرت نرم و نفوذ جهانی کشورها ایفا کند.



مدل مفهومی:

در این پژوهش، مدل مفهومی بر اساس فرضیه‌های فوق طراحی می‌شود که رابطه میان توسعه پایدار (متغیر مستقل) و قدرت نرم (متغیر وابسته) را نشان می‌دهد. عوامل میانجی مانند سیاست‌گذاری‌های داخلی، دیپلماسی فرهنگی، و همکاری‌های بین‌المللی، در این مدل نقش دارند.

متغیر مستقل: توسعه پایدار (مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی)

متغیر وابسته: قدرت نرم (تصویر بین‌المللی، نفوذ فرهنگی، همکاری‌های بین‌المللی)

متغیرهای میانجی: سیاست‌گذاری‌های داخلی، دیپلماسی فرهنگی، همکاری‌های بین‌المللی، تصویر عمومی اهمیت و کاربردهای نظریه‌ای

این چارچوب، امکان تحلیل رابطه میان توسعه پایدار و قدرت نرم را در سطح ملی و بین‌المللی فراهم می‌کند. به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا سیاست‌هایی مبتنی بر توسعه پایدار طراحی کنند که منجر به تقویت قدرت نرم و نفوذ کشور در عرصه جهانی می‌شود. این مدل، پایه‌ای برای توسعه مؤلفه‌های جدید و ارزیابی اثربخشی سیاست‌های توسعه پایدار در ارتقاء قدرت نرم است.

نمودار مدل:

توسعه پایدار



عوامل میانجی: (سیاست‌گذاری، دیپلماسی، تصویر عمومی)



قدرت نرم

این مدل، رابطه مستقیم و غیرمستقیم میان توسعه پایدار و قدرت نرم را تحلیل می‌کند و نقش عوامل میانجی را در این رابطه مشخص می‌سازد.

کاربردهای عملی و سیاست‌گذاری

سیاست‌گذاری داخلی:

توسعه برنامه‌های جامع و بلندمدت در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، به منظور ارتقاء مؤلفه‌های توسعه پایدار و در نتیجه تقویت قدرت نرم.

سیاست‌گذاری خارجی:



توسعه دیپلماسی فرهنگی، عمومی و اقتصادی بر اساس مؤلفه‌های توسعه پایدار، برای بهبود تصویر بین‌المللی و نفوذ در عرصه

جهانی.

ارزیابی و سنجش:

توسعه مؤلفه‌های جدید مبتنی بر توسعه پایدار برای ارزیابی اثربخشی سیاست‌های تقویت قدرت نرم و اصلاح رویکردهای

سیاست‌گذاری.

این چارچوب نظری، امکان تحلیل جامع و چندبعدی رابطه میان توسعه پایدار و قدرت نرم را فراهم می‌کند و بر اهمیت تلفیق

این دو مفهوم در سیاست‌گذاری‌های ملی و بین‌المللی تأکید دارد. همچنین، در قالب این چارچوب، می‌توان راهکارهای عملی برای

ارتقاء جایگاه کشورها در عرصه جهانی ارائه داد، به ویژه در زمینه‌هایی مانند دیپلماسی فرهنگی، توسعه اقتصادی پایدار، و

مسئولیت‌پذیری اجتماعی.

عوامل مؤثر و موانع

عوامل مؤثر در تقویت رابطه:

- ✓ سیاست‌های داخلی و خارجی مبتنی بر توسعه پایدار
- ✓ دیپلماسی فرهنگی و عمومی فعال
- ✓ همکاری‌های بین‌المللی و مشارکت در نهادهای جهانی
- ✓ توسعه فناوری و نوآوری‌های پایدار
- ✓ آموزش و فرهنگ‌سازی عمومی در حوزه توسعه پایدار

موانع و چالش‌ها:

- ✓ محدودیت‌های مالی و منابعی
- ✓ ضعف سیاست‌گذاری‌های داخلی و ناهماهنگی نهادها
- ✓ ناآگاهی عمومی و فرهنگی
- ✓ تأثیر سیاست‌های کوتاه‌مدت و ناپایدار
- ✓ تفاوت‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی میان کشورها
- ✓ کاربردهای عملی و سیاست‌گذاری

سیاست‌گذاری داخلی:

- ✓ تدوین برنامه‌های جامع توسعه پایدار در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی.
- ✓ ارتقاء آموزش و فرهنگ‌سازی عمومی در حوزه توسعه پایدار.



✓ اصلاح سیاست‌های ناپایدار و کوتاه‌مدت و جایگزینی سیاست‌های بلندمدت و پایدار.

سیاست‌گذاری خارجی:

- ✓ توسعه دیپلماسی فرهنگی و عمومی مبتنی بر مؤلفه‌های توسعه پایدار.
- ✓ همکاری‌های بین‌المللی در حوزه‌های محیط‌زیستی، عدالت اجتماعی و توسعه اقتصادی پایدار.
- ✓ ترویج تصویر مثبت و مسئولانه کشور در عرصه جهانی.

ارزیابی و سنجش:

- ✓ توسعه مؤلفه‌های جدید مبتنی بر توسعه پایدار برای ارزیابی اثربخشی سیاست‌ها.
- ✓ طراحی مؤلفه‌های ترکیبی برای سنجش قدرت نرم و اثرگذاری سیاست‌های توسعه پایدار.

یافته‌های پژوهش

توسعه پایدار و قدرت نرم دو مفهوم مهم در عرصه سیاست و توسعه هستند. توسعه پایدار بر حفظ منابع طبیعی و ایجاد تعادل بین اقتصاد، محیط زیست و جامعه تأکید دارد، در حالی که قدرت نرم به توانایی کشور در جذب و تأثیرگذاری بر دیگران از طریق فرهنگ، ارزش‌ها و دیپلماسی غیرمستقیم می‌پردازد. ترکیب این دو مفهوم می‌تواند منجر به سیاست‌های مؤثر و پایدار در سطح جهانی شود. در دسامبر ۱۹۹۹م، کارگاه آموزشی بین‌المللی به منظور ارزیابی نتایج آزمایشی کاربرد مؤلفه‌های توسعه پایدار در کشورهای داوطلب، در کشور باربادوس و با کمک مالی کشور آلمان برگزار شد. در این کارگاه نتایج ارزیابی مؤلفه‌های توسعه پایدار، قابلیت کاربرد آنها، اهمیت آنها برای تصمیم‌گیری در سطح ملی، موانع و مشکلات اجرای آنها در سطح ملی و سایر موارد مرتبط با مؤلفه مطرح و به بحث گذاشته شد. اغلب کشورهای شرکت‌کننده در این کارگاه، اجرای آزمایشی مؤلفه‌های توسعه پایدار در کشورهای خود را آزمونی ارزشمند و موفقیت‌آمیز عنوان کردند. هدف اصلی تدوین مؤلفه‌ها، استفاده از آنها جهت بررسی‌های تطبیقی و همچنین نظارت بر جهت‌گیری کلان کشورها و هدایت آنها در راستای توسعه پایدار عنوان شد (مولدان و بیلهارز، ۱۳۸۱، ۱۷۵-۱۷۱). شاخص‌های یادشده در سه گروه زیر طبقه بندی گردید:

الف. توسعه پایدار اقتصادی ب. توسعه پایدار اجتماعی ج. توسعه پایدار زیست محیطی.

ارتباط مثبت بین قدرت نرم و توسعه پایدار: کشورهایایی که از ابزارهای فرهنگی، دیپلماسی و ارزش‌های فرهنگی بهره‌مند هستند، توانسته‌اند پروژه‌های توسعه پایدار را با موفقیت بیشتری اجرا کنند. این کشورها از طریق جذب اعتماد و همکاری‌های بین‌المللی، منابع و فناوری‌های لازم را به دست می‌آورند.

تأثیر دیپلماسی فرهنگی بر توسعه پایدار: برنامه‌های فرهنگی و تبادل دانش و هنر، نقش مهمی در تقویت روابط بین‌المللی و ایجاد فضای همکاری برای پروژه‌های توسعه‌ای دارند. این رویکردها باعث کاهش تنش‌ها و افزایش همکاری‌های پایدار می‌شوند.



نقش آموزش و فرهنگ در ترویج توسعه پایدار: آموزش‌های فرهنگی و آگاهی‌بخشی در زمینه‌های زیست‌محیطی و اجتماعی، به تغییر نگرش‌ها و رفتارهای جامعه کمک می‌کند و در نتیجه، توسعه پایدار را تسریع می‌نماید.

نمونه‌های موفق جهانی: کشورهایمانند سوئد، هلند و کانادا، با بهره‌گیری از قدرت نرم، توانسته‌اند سیاست‌های توسعه پایدار را در سطح ملی و بین‌المللی پیاده‌سازی کنند و نتایج مثبتی در کاهش فقر، حفظ محیط زیست و عدالت اجتماعی داشته باشند. توسعه پایدار به فرآیندی اشاره دارد که نیازهای نسل حاضر را بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای برآورده کردن نیازهای خود، تأمین می‌کند. این مفهوم بر سه بعد اصلی تأکید دارد:

اقتصادی: رشد اقتصادی پایدار، ایجاد شغل، و توزیع عادلانه ثروت.

اجتماعی: عدالت اجتماعی، کاهش فقر، دسترسی به آموزش و بهداشت، و حفظ کرامت انسانی.

محیط زیست: حفاظت از منابع طبیعی، کاهش آلودگی، و مقابله با تغییرات اقلیمی.

یافته‌های کلیدی در زمینه توسعه پایدار:

همبستگی بین ابعاد: پیشرفت در یکی از ابعاد توسعه پایدار (مانند اقتصادی) اغلب نیازمند توجه و اقدام در ابعاد دیگر (اجتماعی و محیط زیست) است. نادیده گرفتن هر یک از این ابعاد می‌تواند موفقیت کلی را تضعیف کند.

نقش فناوری: فناوری‌های نوین می‌توانند نقش مهمی در دستیابی به توسعه پایدار ایفا کنند، به ویژه در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر، مدیریت پسماند، و کشاورزی پایدار.

اهمیت حکمرانی خوب: ساختارهای حکمرانی مؤثر، شفاف و پاسخگو برای اجرای سیاست‌های توسعه پایدار ضروری هستند. این شامل مشارکت ذینفعان مختلف (دولت، بخش خصوصی، جامعه مدنی) می‌شود.

تغییرات اقلیمی: تغییرات اقلیمی یکی از بزرگترین چالش‌های پیش روی توسعه پایدار است و نیازمند همکاری‌های بین‌المللی و اقدامات فوری برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و سازگاری با اثرات آن است.

الگوهای مصرف و تولید پایدار: تغییر الگوهای مصرف و تولید به سمت پایداری، کلید کاهش فشار بر منابع طبیعی و محیط زیست است.

قدرت نرم (Soft Power):

قدرت نرم، که توسط جوزف نای معرفی شد، به توانایی جذب و ترغیب دیگران از طریق جذابیت فرهنگ، ارزش‌های سیاسی، و سیاست‌های خارجی اشاره دارد، برخلاف قدرت سخت که از طریق اجبار (مانند زور نظامی یا اقتصادی) عمل می‌کند.

یافته‌های کلیدی در زمینه قدرت نرم:

منابع قدرت نرم: منابع اصلی قدرت نرم شامل فرهنگ (جذابیت هنر، سبک زندگی، سرگرمی)، ارزش‌های سیاسی (مانند دموکراسی، حقوق بشر) و سیاست‌های خارجی (زمانی که به عنوان مشروع و اخلاقی تلقی شوند) هستند.



اهمیت در روابط بین‌الملل: قدرت نرم به کشورها اجازه می‌دهد تا نفوذ خود را بدون توسل به زور افزایش دهند و به طور مؤثرتری اهداف خود را در صحنه جهانی پیش ببرند.

چالش‌ها: حفظ و ارتقای قدرت نرم می‌تواند چالش برانگیز باشد. سیاست‌های داخلی یا خارجی نامطلوب می‌توانند به اعتبار یک کشور آسیب بزنند و جذابیت آن را کاهش دهند.

نقش رسانه‌ها و دیپلماسی عمومی: رسانه‌های جمعی، اینترنت، و دیپلماسی عمومی ابزارهای کلیدی برای انتقال و ترویج قدرت نرم هستند.

ارتباط بین توسعه پایدار و قدرت نرم:

جذابیت از طریق پایداری: کشورهایی که در زمینه توسعه پایدار پیشرفت قابل توجهی نشان می‌دهند (مثلاً در انرژی‌های پاک، حفاظت از محیط زیست، و عدالت اجتماعی) می‌توانند از نظر جهانی جذابیت بیشتری پیدا کنند و قدرت نرم خود را افزایش دهند. این کشورها به عنوان الگوهای مثبت در نظر گرفته می‌شوند.

ارزش‌های مشترک: تمرکز بر ارزش‌های جهانی مانند صلح، همکاری، و مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی که در توسعه پایدار نهفته است، می‌تواند پایه و اساس قوی‌تری برای قدرت نرم فراهم کند.

دیپلماسی و همکاری: مشارکت فعال در ابتکارات بین‌المللی برای توسعه پایدار، مانند توافق پاریس، می‌تواند اعتبار و نفوذ یک کشور را افزایش داده و به عنوان شکلی از قدرت نرم عمل کند.

تصویر مثبت جهانی: دستیابی به اهداف توسعه پایدار می‌تواند به ایجاد تصویری مثبت و مسئولانه از یک کشور در سطح جهانی کمک کند، که این خود به افزایش قدرت نرم آن منجر می‌شود.

تأثیر متقابل: از سوی دیگر، قدرت نرم می‌تواند به تسهیل همکاری‌های بین‌المللی در زمینه توسعه پایدار کمک کند. کشوری که از قدرت نرم بالایی برخوردار است، ممکن است در متقاعد کردن دیگران به پیوستن به اهداف مشترک توسعه پایدار موفق‌تر باشد.

به طور خلاصه، توسعه پایدار و قدرت نرم مفاهیم متقابلی هستند که می‌توانند یکدیگر را تقویت کنند. کشورهایی که به اصول توسعه پایدار پایبند هستند و در این زمینه موفق عمل می‌کنند، اغلب از جذابیت و نفوذ بیشتری در سطح بین‌المللی برخوردارند.

برای مثال، می‌توانیم به موارد زیر پردازیم:

مثال‌های عملی: کشورهایی که در زمینه قدرت نرم و توسعه پایدار موفق بوده‌اند.

چالش‌های پیش رو: موانع و مشکلات موجود در پیوند دادن این دو مفهوم.

نقش سازمان‌های بین‌المللی: چگونه سازمان‌هایی مانند سازمان ملل متحد در این زمینه نقش دارند؟

جنبه‌های فرهنگی: چگونه فرهنگ یک کشور می‌تواند بر توسعه پایدار و قدرت نرم آن تأثیر بگذارد؟

ابعاد اقتصادی: ارتباط بین سرمایه‌گذاری در توسعه پایدار و افزایش قدرت اقتصادی و نفوذ بین‌المللی.



منابع

۱. فیتزپتریک، تونی، نظریه رفاه، هرمز همایونپور، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی،
۲. ----- (۱۳۸۲)، وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران، رساله دکتری دانشگاه علامه طباطبائی.
۳. امیدوار، کاوه، ۱۳۸۷، «بنیاد مستضعفان تاجر جدید نفت»، وبگاه بی بی سی فارسی، ۴ تیر.
۴. حاتمی، عباس، ۱۳۸۹، الگوی آونگی: چارچوبی برای تحلیل اقتصاد سیاسی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۳، شماره ۲، پیاپی ۴۸.
۵. حسین زاده، محمدعلی، ۱۳۸۶، گفتمان‌های حاکم بر دولت‌های بعد از انقلاب در جمهوری اسلامی ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب.
۶. حیدری، نصر الله و محسن جمشیدی، ۱۳۹۵. نقش و جایگاه سازمان‌های مردم نهاد در مشارکت سیاسی در دورانه‌های ریاست جمهوری خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۲، شماره ۳۶.
۷. دادگر، یدالله، ۱۳۸۳، تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی، قم، انتشارات دانشگاه مفید، چاپ اول، صص ۲۲۳-۲۸۸.
۸. رنانی، محسن، ۱۳۷۷، پویای‌های درونی در ترکیب دولت بازار (نظریه تجربه) مجموعه مقالات همایش پنجاه ساله برنامه‌ریزی توسعه در ایران، مرکز تحقیقات اقتصاد ایران.
۹. رنانی، محسن، بازار یا نا بازار، ۱۳۸۹، چاپ سوم، تهران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
۱۰. شادلو، عباس، کریمپور، رزا، ۱۳۹۴، رابطه بین کارآمدی و مشروعیت دولت جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر نظریه کلاوس اوفه، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، دوره ۳، شماره ۹، ۱۵۹-۱۴۱.
۱۱. صدر، محمدباقر، اقتصاد ما، ترجمه ع. اسپهبدی، تهران، برهان، ۱۴۰۰ جلد دوم، صص ۱۴-۱۷.
۱۲. صدیقی، کوروس؛ شهیدی، امیر هوشنگ، ۱۳۷۹. مفاهیم و تحول کارکردی دولت با نگاهی به برنامه سوم، مجله تأمین اجتماعی، پاییز ۱۳۷۹، شماره ۶.
۱۳. عظیمی، حسین، «دولت در علم اقتصاد و توسعه اقتصادی»، فصلنامه فرهنگ و اندیشه، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۰.
۱۴. عیوضی، محمدرحیم، ۱۳۸۷. تحلیلی بر سیاست خارجی آقای دکتر احمدی نژاد، فصلنامه راهبرد یاس، شماره ۱۴.
۱۵. فلاحت‌پیشه، حشمت‌الله، شورچی، حافظ، ۱۳۹۵، بررسی مقایسه‌ای رویکرد توسعه‌ای دولت‌های هفتم و هشتم (اصلاحات) و نهم و دهم (عدالت)، فصلنامه علمی رهیافت انقلاب اسلامی، دوره ۱۰، شماره ۳۴، صص ۱۳۶-۱۱۷.
۱۶. فوزی، یحیی، ۱۳۸۷. اندیشه سیاسی در ایران بعد از انقلاب، تهران، پژوهشکده انقلاب اسلامی فوزی، یحیی، ۱۳۹۵. تحول دولتها و عملکرد اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، شماره سوم، صص ۵۸-۲۷.
۱۷. قره باغیان، مرتضی، ۱۳۷۲. فذهنک اقتصاد و بازرگانی، انتشارات مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
۱۸. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۸، اسلام و مقتضیات زمان، تهران، انتشارات صدرا، چاپ چهارم، ج ۱.
۱۹. موثقی، احمد، ۱۳۸۵. اقتصاد سیاسی ایران در دوره جمهوری اسلامی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۷.
۲۰. موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۸. گزارش بررسی وضعیت اشتغال و بیکاری در کشورهای بزرگ اقتصادی، معاونت پژوهش و آموزش، گروه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی داخلی.

۲۱. موسوی سید علی، موسوی گاوگانی سید علی، ۱۳۹۵، بررسی انواع نظام‌های اقتصادی و مقایسه آن‌ها با اقتصاد انقلاب اسلامی پنجمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، برلین آلمان .
۲۲. مؤمنی، فرشاد، ۱۳۷۴، کالبدشناسی یک برنامه توسعه، مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس .
۲۳. .
۲۴. احمدی، ابوالفضل (۱۳۹۳)، سبک زندگی اسلامی، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۲۵. احمدی، سید احمد و علی رضوانی (۱۳۸۶)، «تأثیر آموزش مسئولیت‌پذیری به شیوه گلاسز بر کاهش بحران هویت دانش‌آموزان متوسطه اصفهان»، دو فصلنامه پژوهش‌های تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، سال سوم، شماره دوم، شماره پیاپی ۸، پاییز و زمستان.
۲۶. ارزیابی اثرات سیاست‌های توسعه‌ای مبتنی بر ارزش‌های دینی: تحلیل اثرات اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای بر هویت فرهنگی، انسجام اجتماعی و پایداری محیط زیست.
۲۷. ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی توسعه، تهران: انتشارات کیهان.
۲۸. ازکیا، مصطفی (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی توسعه، تهران: نشر کلمه.
۲۹. ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۹۷)، جامعه‌شناسی توسعه، تهران: انتشارات کیهان.
۳۰. استونز، راب (۱۳۸۳)، متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، تهران: نشر مرکز.
۳۱. اول، تهران: نشر نی.
۳۲. ایمان، محمدتقی و ندا مرحمتی (۱۳۹۳)، «تبیین جامعه‌شناختی گرایش جوانان به سبک زندگی مدرن در شهر شیراز»، جامعه‌شناسی کاربردی سال بیست و پنجم پاییز ۱۳۹۳ شماره ۳ (پیاپی ۵۵).
۳۳. این پیشنهادها می‌تواند مسیر تحقیقات آینده را در جهت ارتقاء دانش و کاربردهای عملی در حوزه توسعه پایدار و الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی هموار سازد.
۳۴. باینگانی، بهمن، سید فهیم ایران‌دوست، سینا احمدی (۱۳۹۲)، «سبک زندگی از منظر جامعه‌شناسی: مقدمه‌ای بر شناخت و واکاوی مفهوم سبک زندگی»، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال هشتم، شماره ۷۷، صفحات ۵۶ تا ۷۵.
۳۵. بی، ارل (۱۳۸۷)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه رضا فاضل، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاه‌ها، چاپ پنجم، تابستان ۱۳۸۷.
۳۶. بدیع، برتران (۱۳۷۹)، توسعه سیاسی، ترجمه احمد نقیب زاده، تهران: قومس.
۳۷. بررسی چالش‌ها و موانع فرهنگی و اجتماعی: مطالعه چالش‌ها و موانع موجود در مسیر نهادینه‌سازی و عملیاتی کردن این الگو در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای.
۳۸. بشیریه، حسین (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی سیاسی، نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، تهران: نشر نی.
۳۹. بوردیو، پی‌یر (۱۳۸۹)، نظریه کنش (دلایل عملی و انتخاب عقلانی)، ترجمه مرتضی مردیها، چاپ دوم، تهران: نشر نقش و نگار.
۴۰. پیشنهاد راهکارهای سیاست‌گذاری مبتنی بر ارزش‌های دینی: تدوین راهکارهای عملی و سیاست‌های کاربردی برای تقویت نقش ارزش‌های دینی در فرآیند توسعه پایدار در سطح ملی و منطقه‌ای.
۴۱. پیشنهادهای برای تحقیقات آینده در حوزه تبیین جامعه‌شناختی الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی و توسعه پایدار عبارتند از:



۴۲. تحلیل تأثیر فناوری و رسانه‌های نوین: بررسی نقش فناوری‌های نوین و رسانه‌های دیجیتال در ترویج ارزش‌های دینی و فرهنگی مرتبط با توسعه پایدار و تغییر نگرش‌های جامعه.
۴۳. تحلیل تطبیقی الگوهای توسعه در کشورهای اسلامی: بررسی و مقایسه الگوهای توسعه مبتنی بر ارزش‌های دینی در کشورهای مختلف اسلامی و ارزیابی تأثیر آن‌ها بر تحقق توسعه پایدار.
۴۴. تهرانیان، مجید (۱۳۷۶)، ارتباطات و توسعه، ترجمه هادی خانیکی، جزوه درسی.
۴۵. تودارو، مایکل (۱۳۶۶)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران: نشر کوهسار.
۴۶. جلائی‌پور، حمید رضا و محمدی، جمال (۱۳۸۷)، نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی، تهران: نشر نی.
۴۷. جانی، دیوید، (۱۳۷۸)، سبک زندگی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۸. حاجی هاشمی، سعید (۱۳۸۴)، توسعه و توسعه نیافتگی: کلیات، اصول و ابعاد (با تأکید بر متد تفکر در توسعه)، تهران: گفتمان اندیشه معاصر.
۴۹. در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله)، فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت اسلامی، سال ۴۲، شماره ۳، ۱۶۷-۱۶۹.
۵۰. راش، مایکل (۱۳۷۷)، جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، صبور؛ منوچهر، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
۵۱. رجب‌زاده، احمد (۱۳۷۸)، جامعه‌شناسی توسعه، تهران: نشر سلمان.
۵۲. رحیمی روشن، حسینی، سیده فاطمه (۱۳۹۶)، مقایسه مبانی انسان‌شناختی پیشرفت و توسعه در اندیشه‌ی اسلام و نظریه‌ی لیبرال دموکراسی، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست متعالیه، سال پنجم، شماره ۱۶، ۵۵-۸۲.
۵۳. زاهدی مازندرانی، محمدجواد (۱۳۹۳)، توسعه و نابرابری، تهران: مازیار.
۵۴. ژانوسکی، توماس و دیگران (۱۳۹۶)، «درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی»، ترجمه نوذر نظری، تهران: نشر مخاطب.
۵۵. سروش، مریم (۱۳۹۰) «احساس مسوولیت فردی و اجتماعی، دیگرخواهی و اعتماد اجتماعی مطالعه نوجوانان شیراز»، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، دانشگاه اصفهان، دوره ۲۳، شماره دو (پیاپی ۴۶) تابستان.
۵۶. سفیری، خدیجه و مریم صادقی (۱۳۸۸)، «مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۰، شماره پیاپی ۳۴، ش ۲، تابستان.
۵۷. سن، آمارتیا (۱۳۸۳)، توسعه به مثابه آزادی، ترجمه وحید محمودی، تهران: انتشارات دستان.
۵۸. سو، آلوین (۱۳۷۸)، تغییر اجتماعی و توسعه؛ ترجمه محمود حبیبی مظاهری، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۵۹. سوری، احمد و ذبیح اله کرم (۱۳۹۳)، «بررسی رابطه ابعاد مسوولیت پذیری با عملکرد فرماندهان کوپ استان اردبیل»، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال نهم، شماره چهارم، زمستان.
۶۰. شویره کریاستین، فونتن اولیویه (۱۳۸۵)، واژگان بوردیو، ترجمه مرتضی کتبی، چاپ اول، تهران: نشر نی.
۶۱. شیانی، م. (۱۳۸۱)، «شهروندی و رفاه اجتماعی» فصلنامه رفاه اجتماعی، سال اول، شماره ۴.
۶۲. صالحی، صادق و زهرا پازوکی نژاد (۱۳۹۵)، «تحلیل جامعه‌شناختی سبک زندگی پایدار در بین دانشجویان»، آموزش عالی ایران، زمستان و بهار، شماره ۲۹ علمی - پژوهشی.



۶۳. صیامی، زهرا (۱۳۸۱)، چرا صنعتی نشدیم؟، تهران: امیرکبیر.
۶۴. طالبان، محمدرضا (۱۳۸۴)، «تبیین جامعه‌شناختی بی‌ثباتی سیاسی» رساله دکتری جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۶۵. طالبی، ابوتراب، یوسف خوش بین (۱۳۹۱)، «مسئولیت پذیری اجتماعی جوانان»، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۱۹، شماره ۵۹، زمستان، صفحات ۲۱۶ تا ۲۴۹.
۶۶. طلابکی طرقی، اکبر (۱۳۹۹)، بررسی و نقد سند الگوی پایه‌ی اسلامی ایرانی پیشرفت (به عنوان سند بالادستی نظام)، فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، سال نهم، شماره شانزدهم، ۳۷۱-۳۹۱.
۶۷. عالم، عبدالرحمن (۱۳۹۸)، «بررسی جایگاه توسعه سیاسی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۸، شماره ۲۸، شماره پیاپی ۵۸، بهار.
۶۸. عظیمی آرانی، حسین (۱۳۸۳)، مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران. تهران: نشر نی.
۶۹. عزیزاده، عبدالرحمن (۱۳۸۴)، «ارتباطات و توسعه پایدار»، فصلنامه رسانه، سال شانزدهم، شماره ۴.
۷۰. عیوضی، محمدرحیم، کریمی، غلامرضا (۱۳۹۰)، «مشارکت اجتماعی زنان؛ رویکردی اسلامی»، مجله: دانش سیاسی، سال هفتم پاییز و زمستان ۱۳۹۰ شماره ۲ (پیاپی ۱۴).
۷۱. سقدیری اصل، باقر، ۱۳۷۶، سیراندیشه اقتصادی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ نهم، ص ۷۵.
۷۲. قربانی، شهرزاد (۱۳۹۱)، «رواج بی‌تعهدی و بی‌مسئولیتی در جامعه»، تهران، ماهنامه سپید دانایی، شماره ۵۵.
۷۳. قیصری، نوراله (۱۳۹۸)، «مشارکت اجتماعی؛ معناکاوای یک مفهوم راهبردی» فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا / سال چهارم / شماره ۱۳۹۸، بهار، صفحات ۳۱ تا ۵۹.
۷۴. کاویانی، محمد، (۱۳۹۱)، «سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن»، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷۵. کرایب، یان (۱۳۹۳)، نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس، تهران: آگه.
۷۶. کشاورز، صدیقه، زهرا قادری، لادن معین (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه سبک زندگی و امید به زندگی با بهزیستی روانشناختی سالمندان آموزش و پرورش شهرستان داراب»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد مرودشت.
۷۷. کلاتری، خلیل (۱۳۷۷)، «مفهوم و معیارهای توسعه اجتماعی»، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، مرداد و شهریور، دوره ۱۲، شماره ۱۳۲-۱۳۱، از صفحه ۲۰۸ تا صفحه ۲۱۳.
۷۸. کلدی، علیرضا و نگار پوردهناد (۱۳۹۱)، «بررسی میزان آگاهی و نگرش دانشجویان نسبت به حقوق شهروندی در تهران»، مطالعات شهری، سال دوم، پاییز، شماره ۴.
۷۹. کوزر، لوئیس (۱۳۸۵)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی و فرهنگی.
۸۰. گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۸۱. لغتویج، آدریان (۱۳۷۸)، دموکراسی و توسعه، ترجمه احمد علیقلیان، افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
۸۲. لمرت، چارلز (۱۳۹۹)، نظریه اجتماعی: قرائت‌های چندفرهنگی، جهانی و کلاسیک، ترجمه سلیمان میرزائی راجعونی، عادل ابراهیمی لویه، تهران: نشر لویه.
۸۳. محسنی، منوچهر (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی، تهران: کتابخانه طهوری.



۸۴ مطالعات میان رشته‌ای: تلفیق جامعه‌شناسی، علوم دینی، اقتصاد و محیط‌زیست برای ارائه رویکردهای جامع و چندبعدی در تبیین و پیاده‌سازی الگوی توسعه اسلامی ایرانی.

۸۵ مطالعات میدانی و عملیاتی در سطح جامعه: بررسی نقش نهادهای فرهنگی، مذهبی و آموزشی در ترویج و نهادینه‌سازی الگوی پیشرفت اسلامی در جوامع محلی و روستاها.

1. Anosa, D (۲۰۱۰), "Local government and good governance: the case of sanoa", *Commonwealth Journal of Local government*, Vol ۷.
۲. Braun, Virginia & Clarke, Victoria (۲۰۰۶), "Using thematic analysis in psychology", *Qualitative Research in Psychology*, Vol . ۳, No. ۲, Pp. ۷۷-۱۰۱.
۳. Brenner, N (۱۹۹۹). Globalisation as reterritorialisation: The re-scaling of urban governance in the European Union. *Urban Studies*, ۳۶, ۴۳۱-۴۵۱. doi: ۱۰.۱۰۸۰/۰۰۴۲۰۹۸۹۹۳۴۶۶
۴. Brenner, N (۲۰۰۹). Urban governance and the production of new state spaces in Western Europe, ۱۹۶۰-۲۰۰۰. In *The disoriented state: Shifts in governmentality, territoriality and governance* (pp. ۴۱-۷۷). Springer, Dordrecht.
۵. Cars, G, Healey, P., Madani pour, A, & De Mijal haes, C. (Eds.). (۲۰۱۷). *Urban governance, institutional capacity and social mix*. Routledge.
۶. da Cruz, N F., Rode, P., & McQuarrie, M (۲۰۱۹). New urban governance: A review of current themes and future priorities. *Journal of Urban Affairs*, ۴۱(۱), ۱-۱۹.
۷. Darity Jr., William A (۲۰۰۸), *International Encyclopedia of the Social Sciences*, Volume ۲, ۲nd edition, Macmillan Reference USA.
۸. Greenfield, A (۲۰۱۷). *Radical technologies: The design of everyday life*. London, England: Verso Books
۹. Hendriks, Frank (۲۰۱۴). "Understanding Good Urban Governance: Essentials, Shifts, and Values", *Urban Affairs Review* Vol . ۵۰ (۴).
۱۰. Haskar, G K (۱۹۹۲). *Fundamentals of town planning*. Dhanpat Rai.
۱۱. Hobs, Gregory (۲۰۱۶), *The Sociology of Development Handbook*, University of California Press, Oakland, California.
۱۲. *Management*, ۱۰۲۰۱۱.
۱۳. Streeten, Paul (۱۹۷۹), *The Frontiers Of Development Studies*, London: Macmillan.
۱۴. -Marx, Karl (۱۸۶۷), *Capital*, vol . ۱, Moscow Progress Publishers.
۱۵. Howitt, P., "Money and Growth revisited," *University of western Ontario, Departmental Research Report Series* ۹۰۱۴, University of western Ontario, Department of Economics.
۱۶. Smith, Adam (۱۹۲۲ [۱۷۷۶]), *An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations*, Edwin Cannan (ed.), London: Methuen.